

نظر علمای اهل سنت درباره کیفیت نماز چگونه است؟

اظهار بندگی خداوند و راز و نیاز با معبود با روشها و شیوه های گوناگون در بین ادیان و مذاهب رواج دارد که پیروان هر يك بر اساس دستور و برنامه ای خاص به عبادت می پردازند، اما هیچ يك به زیبایی و جامعیت نوع عبادت و پرستش مسلمانان نیست، زیرا نماز در بین عبادتهاي مشروع، مظهر بندگی و پرستش خداوند متعال است که در اصل و جوب آن بین فرقی مسلمین اختلافی نیست، همچنین در تعداد رکعات هم اختلافی وجود ندارد، بلکه تنها اختلاف در بخش محتوایی آن و برخی از اعمال ظاهری آن است که در حقیقت باید گفت اختلاف در شکل ظاهری اندک است و آنچه که در آن اختلاف دارند برخی از اذکار نماز است، به عنوان مثال سجده در نماز که اوج خضوع و خشوع در برابر پروردگار متعال است بعضی در شکل انجام سجده هیچ شرطی برای آن لازم نمی دانند و بعضی با شرائطی آن را مکمل نماز می دانند.

راستی این اختلافها و تفاوتها چرا و از کجا است؟

آیا شارع مقدس که خود ترجمان اعمال دینی و بیانگر دستورات دینی بود به یاران و دوستان و شاگردانش نیاموخت؟

اگر پاسخ مثبت است پس این همه اختلاف در سخنان و فتاوی سردمداران فقه و شریعت چرا دیده می شود؟

آیا مسیر راهیابی برای فهم درست شریعت و آشنائی با وظایف فردی و جمعی گنگ و مبهم است، یا روشن؟

آیا مبلغ و پیام آور آسمانی و مأمور ارشاد و راهنمایی مردم راه و روشی را برای ادامه راه مقرر نموده است یا اینکه آنان را آزاد و رها گذاشت؟

اکنون و پس از گذشت قرنها از تأسیس این شریعت مقدس کدام راه را باید برگزینیم و از کدام روش باید پیروی کنیم؟

اهل سنت می گوید: مراجعه به سنت پیامبر و آنچه اصحاب از آن حضرت نقل کرده و به آن عمل کرده اند ملاک مسلمانی و معیار اسلام است.

تشیع می گوید: مراجعه به اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله که در رأس آن علی سپس دو فرزندش حسن و حسین و همسرش فاطمه علیهم السلام قرار دارند دقیق ترین و سالم ترین راه برای رسیدن به حقیقت است چرا که علاوه بر ستایش این گروه از طرف خداوند در قرآن به عنوان خاندانی پاک، شخص رسول خدا نیز در دهها سخن دستور به مراجعه و همراهی و پیروی از آنان را صادر فرموده است که برای توضیح بیشتر به شرح و توضیح حدیث ثقلین و دیگر احادیث باید مراجعه نمود.

نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله

احمد حنبل پیشوا و مرجع فقهی حنبلیها و دیگر محدثان و فقیهان با تفاوتهایی نماز رسول خدا را نقل کرده اند که در ادامه متن آن را مشاهده می نمائید:

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يحيى بن سعيد عن عبد الحميد بن جعفر قال حدثني محمد بن عطاء عن أبي حميد الساعدي قال سمعته وهو في عشرة من أصحاب النبي صلي الله عليه وسلم أحدثهم أبو قتادة بن ربعي يقول انا أعلمكم بصلاة رسول الله صلي الله عليه وسلم قالوا له ما كنت أقدمنا صُحبةً ولا أكثرنا له تَباعَةً قال بلي قالوا فأعرض قال كان إذا قام إلي الصلاة اعتدل قائماً ورفع يديه حتى حاذي بهما منكبيه فإذا أراد ان يركع رفع يديه حتى يحاذي بهما منكبيه ثم قال الله أكبر فرفع ثم اعتدل فلم يصب رأسه ولم يفتنعه ووضع يديه علي ركبتيه ثم قال سمع الله لمن حمده ثم رفع واعتدل حتى رجع كل عظم في موضعه معتدلاً ثم هوي ساجداً وقال الله أكبر ثم جافي وفتح عضديه عن بطنه وفتح أصابع رجليه ثم ثني رجله

الْيُسْرَى وَقَعَدَ عَلَيْهَا وَاعْتَدَلَ حَتَّى رَجَعَ كُلُّ عَظْمٍ فِي مَوْضِعِهِ ثُمَّ هَوَى سَاحِداً وَقَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ ثُمَّ ثَنَى رِجْلَهُ وَقَعَدَ عَلَيْهَا حَتَّى يَرْجِعَ كُلُّ عِضْوٍ إِلَى مَوْضِعِهِ ثُمَّ نَهَضَ فَصَنَعَ فِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ مِثْلَ ذَلِكَ حَتَّى إِذَا قَامَ مِنَ السَّجْدَتَيْنِ كَبَّرَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ حَتَّى يُحَاذِي بِهِمَا مَنْكَبَيْهِ كَمَا صَنَعَ حِينَ افْتَتَحَ الصَّلَاةَ ثُمَّ صَنَعَ كَذَلِكَ حَتَّى إِذَا كَانَتِ الرَّكْعَةُ الَّتِي تَنْقُضِي فِيهَا الصَّلَاةَ آخَرَ رِجْلَهُ الْيُسْرَى وَقَعَدَ عَلَيَّ شِقَّهُ مُتَوَرِّكاً ثُمَّ سَلَّمَ.

ابو حميد ساعدي در حضور ده نفر از اصحاب رسول خدا صلي الله عليه و آله كه ابو قتاده ربعي يكي از آنان بود گفت: من در بين شما به نماز خواندن رسول خدا صلي الله عليه و آله آگاه ترم، گفتند: تو نه سابقه ات از ما بيشتر است و نه متابعت و پيروي ات، گفت: سخن شما درست است. گفتند: نماز رسول خدا را تشریح کن، گفت: وقتي كه به نماز مي ايستاد بدنش صاف و آرام مي گرفت دستها را تا نزديك گوشها بالا مي آورد سپس تكبير مي گفت و چون ركوع مي رفت دستها را تا نزديك گوشها بالا مي آورد و تكبير مي گفت و در ركوع دستها را بر زانوها مي گذاشت و هنگام سر از ركوع بلند كردن مي گفت: سمع الله لمن حمده، و صبر مي كرد تا بدنش آرام بگيرد، سپس تكبير مي گفت و به سجده مي رفت در حالي كه دستها را از بدنش فاصله مي داد و انگشتهاي پا را باز مي گذاشت، آنگاه بر زانوي چپ مي نشست و آرام مي گرفت، سپس تكبير مي گفت و سجده دوم را انجام مي داد و ركعت دوّم را مانند اول به جا مي آورد و ركعات بعد را هم به همين صورت انجام مي داد و در ركعت آخر سلام مي داد.

مسند الإمام أحمد: ج 5 ص 424، رقم 23647، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

و در سنن دارمي در پايان حديث آمده است

قالوا: صَدَقْتَ هَكَذَا كَانَتْ صَلَاةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

گفتند: راست گفتي، نماز رسول خدا چنين بود.

سنن الدارمي: ج 1 ص 361 رقم 1356، دار النشر: دار الكتاب العربي - بيروت - 1407، الطبعة: الأولى، تحقيق: فواز أحمد زمرلي، خالد السبع العلمي

سند حديث

ترمذي پس از نقل حديث مي نويسد:

وفي الباب عن أنس قال أبو عيسى حديث أبي حميد حديث حسن صحيح وهو الذي اختاره أهل العلم.

حديث ابو حميد حديثي حسن و صحيح است كه دانشمندان آن را پذيرفته و به آن عمل کرده اند.

سنن الترمذي: ج 2 ص 45، 79 رقم 260، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - - ، تحقيق: أحمد محمد شاکر وآخرون همانگونه كه در اين نقل ملاحظه نموديد از اذكار و اوراد و بقيه واجبات و مستحبات نماز خبري نيست، اگر چه در احاديث ديگر با اختلاف فراوان بيان شده است.

بخاري در كتاب قرّة العينين تصوير كوتاهي از نماز رسول خدا را كه پس از تكبير به قرائت نيز اشاره دارد آنرا به نمايش گذاشته است.

حدثنا عبيد بن يعيش حدثنا يونس بن بكير أن بن إسحاق عن العباس بن سهل الساعدي قال كنت بالسوق مع أبي قتادة وأبي أسيد وأبي حميد كلهم يقولون: أنا أعلمكم بصلاة رسول الله صلي الله عليه وسلم، فقالوا لأحدهم: صلّ فكبر، ثم قرأ، ثم كبر وركع، فقالوا: أصبت صلاة رسول الله صلي الله عليه وسلم.

عباس بن سهل ساعدي مي گوید: در بازار همراه ابو قتاده و ابو اسيد و ابو حميد بودم كه هر يك به ديگري مي گفت: من از

شما دانایتر به نماز پیامبر هستم، به يك نفر پیشنهاد کردند تا مانند رسول خدا نماز به خواند، آن فرد تکبیر گفت سپس سوره ای خواند و تکبیر گفت و به رکوع رفت، گفتند: همانگونه که رسول خدا نماز می خواند تو نماز خواندی.

محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی الوفاة: 256 ، قرّة العینین ج 1 ص دار النشر : دار الأرقم - الكويت - 1404 - 1983 ، الطبعة : الأولى ، تحقیق : أحمد الشریف.

این حدیث هم نمی تواند بیانگر نماز جامع و کامل رسول خدا باشد.

ابن حبان با تفصیل بیشتر همین حدیث را نقل کرده و می نویسد:

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ مَوْلَى ثَقِيفٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ شُجَاعِ السَّكُونِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو خَيْثَمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ الْحُرِّ قَالَ حَدَّثَنِي عَيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَطَاءٍ أَحَدِ بَنِي مَالِكٍ عَنْ عَبَّاسِ بْنِ سَهْلِ بْنِ سَعْدِ السَّاعِدِيِّ أَنَّهُ كَانَ فِي مَجْلِسٍ كَانَ فِيهِ أَبُوهُ وَكَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَفِي الْمَجْلِسِ أَبُو هُرَيْرَةَ وَأَبُو أُسَيْدٍ وَأَبُو حُمَيْدٍ السَّاعِدِيُّ مِنَ الْأَنْصَارِ وَأَنْتَهُمْ تَذَاكَرُوا الصَّلَاةَ فَقَالَ أَبُو حُمَيْدٍ أَنَا أَعْلَمُكُمْ بِصَلَاةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالُوا فَأَرِنَا قَالَ فَقَامَ يُصَلِّي وَهُمْ يَنْظُرُونَ فَبَدَأَ يُكَبِّرُ وَرَفَعَ يَدَيْهِ حِذَاءَ الْمَنْكَبَيْنِ ثُمَّ كَبَّرَ لِلرُّكُوعِ فَرَفَعَ يَدَيْهِ أَيْضًا ثُمَّ أَمَّكَنَ يَدَيْهِ مِنْ رُكْبَتِهِ غَيْرَ مُقَنَّعٍ وَلَا مُصَوِّبٍ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ وَقَالَ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ اللَّهُ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ فَسَجَدَ فَانْتَصَبَ عَلَيَّ كَفْيِهِ وَرُكْبَتِهِ وَصُدُورِ قَدَمَيْهِ وَهُوَ سَاجِدٌ ثُمَّ كَبَّرَ فَجَلَسَ وَتَوَرَّكَ إِحْدَى رِجْلَيْهِ وَنَصَبَ قَدَمَهُ الْأُخْرَى ثُمَّ كَبَّرَ فَسَجَدَ الْأُخْرَى فَكَبَّرَ فَقَامَ وَلَمْ يَتَوَرَّكَ ثُمَّ عَادَ فَرَكَعَ الرَّكْعَةَ الْأُخْرَى وَكَبَّرَ كَذَلِكَ ثُمَّ جَلَسَ بَعْدَ الرَّكْعَتَيْنِ حَتَّى إِذَا هُوَ أَرَادَ أَنْ يَنْهَضَ لِلْقِيَامِ كَبَّرَ ثُمَّ رَكَعَ الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا سَلَّمَ سَلَّمَ عَنْ يَمِينِهِ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَسَلَّمَ عَنْ شِمَالِهِ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ الْحُرِّ وَحَدَّثَنِي عَيْسَى أَنَّ مِمَّا حَدَّثَهُ أَيْضًا فِي الْمَجْلِسِ فِي التَّشَهُدِ أَنْ يَضَعَ يَدَهُ الْيُسْرَى عَلَيَّ فَحِذِهِ الْيُسْرَى وَيَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى عَلَيَّ فَحِذِهِ الْيُمْنَى ثُمَّ يُشِيرُ فِي الدُّعَاءِ بِإِصْبَعٍ وَاحِدَةٍ

سهل ساعدي در مجلسي که اصحاب رسول خدا از جمله ابو هريره بودند گفت: من از شما با نماز رسول خدا بیشتر آشنا هستم، گفتند: نماز او را به ما نشان ده، ايستاد و تکبیر گفت سپس دستها را تا بالاي شانه ها بلند کرد و تکبیر گفت و هنگام رکوع رفتن دستها را بلند کرد و در رکوع دستها را بر زانوهايش قرار داد سپس سر از رکوع بر داشت و گفت: سمع الله لمن حمده... دستها را بلند کرد و تکبیر گفت و به سجده رفت، سر از سجده بلند کرد و بر يکي از پاهایش تکیه زد و پای ديگرش را آزاد گذاشت و تکبیر گفت و به سجده رفت و تکبیر گفت و بلافاصله بلند شد و رکعت بعدي را ادامه داد و در هر رکعتي مانند رکعت اول عمل کرد و در پایان اول به سمت راست سلام کرد سپس به سمت چپ، حسن بن حر می گوید: از عیسی بن عبدالله بن مالک شنیدم که گفت: در همان مجلس گفته شده است که در وقت تشهد خواندن با يکي از انگشتان دست اشاره نماید.

سند حدیث

قال أبو حاتم رضي الله عنه سمع هذا الخبر محمد بن عمرو بن عطاء عن أبي حميد الساعدي وسمعه من عباس بن سهل بن سعد الساعدي عن أبيه بالطريقان جميعاً محفوظان هر دو طريق در نقل این حدیث محفوظ است.

صحيح ابن حبان: ج 5 ص 181 رقم 866، بترتيب ابن بلبان ، دار النشر : مؤسسة الرسالة - بيروت - 1414 - 1993 ، الطبعة :

الثانية ، تحقیق : شعيب الأرنؤوط

تکفیر یا قبض در نماز

از مشخصه های نماز اهل سنت گذاشتن دستها و قرار دادن آن روی شکم یا بالای شکم است به این شکل که کف دست راست را روی دست چپ قرار می دهند، و عموم نماز گزاران اهل سنت مقید به این روش هستند، اگر چه لازم به بررسی و تحقیق است که آیا این عمل را همه فقیهان اهل سنت لازم و واجب می دانند، یا خیر؟ و از سوئی دیگر نیازمند این تحقیق است که مبنای چنین فتوا و عملی چیست؟ آیا سنت پیامبر است یا دوست داشتن دیگران؟

حدیث ذیل از معتبرترین کتابها نزد اهل سنت نقل شده است، خوب به فرازها و تعابیر آن دقت کنید، همه چیز روشن میشود.

بَابُ وَضْعِ الْيُمْنِيِّ عَلِي الْيُسْرِيِّ.

حدثنا عبد الله بن مسلمة عن مالك عن أبي حازم عن سهل بن سعد قال قال كان الناس يؤمرون أن يضع الرجل اليد اليمنى على ذراع اليسرى في الصلاة قال أبو حازم لا أعلمه إلا ينمي ذلك إلى النبي صلى الله عليه وسلم قال إسماعيل ينمي ذلك ولم يقل ينمي.

سهل بن سعد می گوید: مردم وادار می شدند تا دست راست را بر ذراع دست چپ قرار دهند، ابو حازم گفته است سهل این دستور را به پیامبر نسبت می داد ولی من نمی دانم..

صحیح البخاری ج 1 ص 259 رقم 707، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د.

مصطفی دیب البغا

در این نقل اضطراب موج می زند چرا که راویان خود تردید دارند که فرمان دهنده چه کسی بوده است.

تکتف در سخنان و آراء فقیهان و بزرگان اهل سنت

قبض یا تکتف همانگونه که پیش از این توضیح داده شد با کف دست راست پشت دست راست را گرفتن است.

حنفیها برای مرد افضل آن می دانند که مرد دست راست را روی دست چپ و زیر نافش بگذارد و برای زن بهتر آن است که دستهایش را روی سینه قرار دهد.

شافعیها تکتف را برای زن و مرد یکسان می دانند یعنی هر دو باید دستها را زیر سینه و بالای ناف بگذارند.

حنبلیها هم گفته اند هنگام قبض دستها باید زیر ناف قرار بگیرد.

مالکیها افتادن دستها را دو طرف پهلو هنگام نماز مستحب می دانند و بر خلاف سه گروه از فقهای اهل سنت قبض و تکتف را لازم نمی دانند.

علاوه بر مالکیها افرادی مانند عبد الله بن زبیر، سعید بن مسیب، سعید بن جبیر، عطاء، ابن جریج، نخعی، حسن بصری، ابن سیرین و گروهی دیگر از فقها تکتف را لازم نمیدانند، در این میان اوزاعی معتقد به تخییر بین قبض و ارسال دستها است.

نقد و بررسی مسأله تکتف و قبض

در بین مذاهب چهارگانه اهل سنت فقط مالکیها و برخی از چهره های سرشناس علمی و تاریخی قبض و تکتف را لازم نمی دانند، ولی سه مذهب دیگر یعنی حنبلی و شافعی و حنفی آن را مستحب و عملاً ترک آن را ناروا می دانند، و امروز به گونه ای است که گویا ترک آن معادل با ترک واجب است.

اکنون نوبت به این پرسشها می رسد که:

اولاً: آیا دلیل و مدرکی بر این عمل مستحب وجود دارد، یا خیر؟

ثانیاً: اگر دلیلی وجود دارد آیا دلیل محکم و قانع کننده ای است یا رسمی است تقلیدی و برگرفته از دیگران؟

در پاسخ باید گفت: نه تنها دلیلی بر اثبات تکتف ندارند بلکه دلیل بر خلاف آن وجود دارد:

۱- نمازهایی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده اند عمل قبض و تکتف در آن نیست، زیرا حدیثی که قبل از این نقل کردیم حتی به برخی از جزئیات در آن اشاره شده بود ولی از این عمل سخنی نیست.

حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا يحيى بن سعيد عن عبد الحميد بن جعفر قال حدثني محمد بن عطاء عن أبي حميد الساعدي قال سمعته وهو في عشرة من أصحاب النبي صلي الله عليه وسلم أحدهم أبو قتادة بن ربعي يقول انا أعلمكم بصلاة رسول الله صلي الله عليه وسلم قالوا له ما كنت أقدمنا صعبة ولا أكثرنا له تباعة قال بلي قالوا فأعرض قال إذا قام إلي الصلاة اعتدل قائماً ورفع يديه حتى حاذي بهما منكبيه فإذا أراد ان يركع رفع يديه حتى يحاذي بهما منكبيه ثم قال الله أكبر فرجع ثم اعتدل فلم يصب رأسه ولم يفتعه ووضع يديه علي ركبتيه ثم قال سمع الله لمن حمده ثم رفع واعتدل حتى رجع كل عظم في موضعه معتدلاً ثم هوي ساجداً وقال الله أكبر ثم جافي وفتح عضديه عن بطنه وفتح أصابع رجليه ثم ثني رجله اليسرى وقعد عليها واعتدل حتى رجع كل عظم في موضعه ثم هوي ساجداً وقال الله أكبر ثم ثني رجله وقعد عليها حتى يرجع كل عضو إلي موضعه ثم نهض فصنع في الركعة الثانية مثل ذلك حتى إذا قام من السجدة كبر ورفع يديه حتى يحاذي بهما منكبيه كما صنع حين افتتح الصلاة ثم صنع كذلك حتى إذا كانت الركعة التي تنقضي فيها الصلاة أحرر رجله اليسرى وقعد علي شقه متوركاً ثم سلم.

ابو حميد ساعدي در حضور ده نفر از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله که ابو قتاده ربعي یکی از آنان بود گفت: من در بین شما به نماز خواندن رسول خدا صلی الله علیه و آله آگاه ترم، گفتند: تو نه سابقه ات از ما بیشتر است و نه متابعت و پیروی ات، گفت: سخن شما درست است. گفتند: نماز رسول خدا را تشریح کن، گفت: وقتی که به نماز می ایستاد بدنش صاف و آرام می گرفت دستها را تا نزدیک گوشها بالا می آورد سپس تکبیر می گفت و چون رکوع می رفت دستها را تا نزدیک گوشها بالا می آورد و تکبیر می گفت و در رکوع دستها را بر زانوها می گذاشت و هنگام سر از رکوع بلند کردن می گفت: سمع الله لمن حمده، و صبر می کرد تا بدنش آرام بگیرد، سپس تکبیر می گفت و به سجده می رفت در حالیکه دستها را از بدنش فاصله می داد و انگشتهاي پا را باز می گذاشت، آنگاه بر زانوي چپ می نشست و آرام می گرفت، سپس تکبیر می گفت و سجده دوم را انجام می داد و رکعت دوم را مانند اول به جا می آورد و رکعات بعد را هم به همین صورت انجام می داد و در رکعت آخر سلام می داد.

مسند الإمام أحمد: ج 5 ص 424، رقم 23647، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر.

و در سنن دارمی در پایان حدیث آمده است

قالوا: صدقت هكذا كانت صلاة رسول الله صلي الله عليه وسلم.

گفتند: راست گفتمی، نماز رسول خدا چنین بود.

سنن الدارمی: ج 1 ص 361 رقم 1356، دار النشر: دار الكتاب العربي - بيروت - 1407، الطبعة: الأولى، تحقیق: فواز أحمد

زمرلي، خالد السبع العلمي

سند حدیث

ترمذی پس از نقل حدیث می نویسد:

وفي الباب عن أنس قال أبو عيسى حديث أبي حميد حديث حسن صحيح وهو الذي اختاره أهل العلم.

حدیث ابو حمید حدیثی حسن و صحیح است که دانشمندان آن را پذیرفته و به آن عمل کرده اند.

سنن الترمذي: ج 2 ص 45، 79 رقم 260، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - ، تحقيق: أحمد محمد شاکر وآخرون

اگر استحباب تکتف ثابت بود بیقین رسول خدا آن را انجام می داد و برای او شایسته نبود که فعل مستحبی را در دوران عمر مبارکش ترک نماید.

2- این نماز در حضور بزرگان از اصحاب انجام شد با این ادعا که گفته بود من از شما به نماز رسول خدا آشناترم و در نماز وی از تکتف خبری نیست با این حال هیچ کس به او اعتراض نکرد بلکه مورد تایید قرار گرفت و اگر جزء نماز رسول خدا بود مانند دیگر مستحبات باید مراعات می شد.

3- اصل در حالت نماز افتادن دستها به پهلو است و تکتف بر خلاف حالت عادی و طبیعی است.

4- هیچ کس نمی تواند بگوید این حدیث عام است و روایات دیگر مخصص، زیرا شکل و هیئت کامل نماز، از واجب و مستحب به نمایش گذاشته شده و مورد تصدیق حضار هم قرار گرفته است.

5- اگر مستحبی مؤکد از طرف شارع معرفی شده بود و خود او نیز آن را انجام داده بود فرقه مالکیها و دیگر بزرگان اهل تسنن آن را انکار نمی کردند.

تکتف و قبض از نگاه فقه شیعه

فقهای اهل بیت علیهم السلام از جمله امام باقر و صادق علیهما السلام با استفاده از دو روش سخن و عمل به توضیح و بیان نماز پرداخته اند که به عنوان نمونه حدیث ذیل را ملاحظه می کنید.

علي بن ابراهيم عن أبيه عن حماد بن عيسى قال: قال لي أبو عبد الله عليه السلام يوماً: يا حماد تحسن أن تصلي؟ قال: فقلت: يا سيدي أنا أحفظ كتاب حريز في الصلاة، فقال: لا عليك يا حماد، قم فصل، قال: فقامت بين يديه متوجهاً الي القبلة فاستفتحت الصلاة فركعت وسجدت، فقال: يا حماد لا تحسن أن تصلي، ما أقبح بالرجل منكم يأتي عليه ستون سنة أو سبعون سنة فلا يقيم صلاة واحدة بحدودها، قال حماد: فأصابني في نفسي الذل، فقلت: جعلت فداك فعلمني الصلاة، فقام أبو عبد الله مستقبل القبلة منتصباً، فأرسل يديه جميعاً علي فخذه قد ضم أصابعه وقرب بين قدميه حتى كان بينهما قدر ثلاث أصابع مفرجات، واستقبل بأصابع رجليه جميعاً لم يحرفهما عن القبلة وقال بخشوع: الله أكبر، ثم قرأ الحمد بترتيل، وقل هو الله أحد، ثم صبر هنيةً بقدر ما يتنفس وهو قائم، ثم رفع يديه حيال وجهه وقال: الله أكبر، وهو قائم ثم ركع وملاً كفيه من ركبتيه منفرجات، وردّ ركبتيه إلي خلفه حتى استوي ظهره، حتى لو صبّ عليه قطرة من ماء أو دهن لم تزل لاستواء ظهره، ومدّ عنقه، وغمّض عينيه ثم سبح ثلاثاً بترتيل وقال: سبحان ربي العظيم وبحمده، ثم استوي قائماً، فلما استمكن من القيام قال: سمع الله لمن حمده، ثم كبر وهو قائم، ورفع يديه حيال وجهه ثم سجد وبسط كفيه مضموتی الاصابع بين يدي ركبتيه حيال وجهه فقال: سبحان ربي الأعلي وبحمده، ثلاث مرات، ولم يضع شيئاً من جسده علي شئ منه، وسجد علي ثمانية أعظم: الكفين والركبتين وأنامل إبهامي الرجلين والجبهة والأنف وقال: سبعة منها فرض يسجد عليها وهي التي ذكرها الله في كتابه فقال: «وانّ المساجد لله فلا تدعوا مع الله احداً» وهي الجبهه و الكفان و الركبتان والابهامان ووضع الانف علي الارض سنّه، ثم رفع رأسه من السجود فلما استوي جالساً قال: الله أكبر، ثم قعد علي فخذه الأيسر وقد وضع ظاهر قدمه الايمن علي بطن قدمه الايسر، وقال: أستغفر الله ربي وأتوب إليه، ثم كبر وهو جالس وسجد سجده الثانية، وقال كما قال في الأولي ولم يضع شيئاً من بدنه علي شئ منه في ركوع ولا سجود، وكان مجنحاً، ولم يضع ذراعيه علي الأرض، فصلي ركعتين علي هذا ويده مضمومتا الاصابع وهو جالس في التشهد فلما فرغ من التشهد سلّم، فقال: يا حماد هكذا صلّ.

حماد بن عيسى مي گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: نماز بلدي به خواني؟ گفتم " کتاب حريز که در باره نماز

است همراه من است، فرمود عمل به آن اشکالی ندارد، اکنون بر خیز و نماز به خوان، بلند شدم و رو به قبله شروع به نماز کردم. رکوع و سجود رفتم، فرمود: تو نمازدرستی نخواندی، چقدر زشت است که شصت یا هفتاد سال از عمر انسان بگذرد ولی یک نماز با شرائطش نخواند، حماد میگوید: از سخن امام احساس شرمندگی کردم و گفتم: قربانت شوم نماز را به من بیاموز. امام علیه السلام رو به قبله ایستاد و دستها را پس از جمع کردن انگشتها روی رانهایش گذاشت و پاها را نزدیک به هم نمود به نحوی که به اندازه سه انگشت باز بیشتر فاصله نبود و انگشت پاهایش نیز رو به قبله بود و با حالت خشوع تکبیر گفت سپس سوره حمد را با ترتیل خواند و بعد از آن سوره توحید را تلاوت نمود، اندکی مکث کرد، دستها را تا مقابل صورت بالا آورد و تکبیر گفت سپس به رکوع رفت، کف دستها را در حال باز بودن انگشتها روی زانو گذاشت و پشت و کمرش را صاف و کشیده قرار داد بگونه ای که اگر قطره آب یا روغنی بر پشتش می چکید فرو نمی غلطید، گردنش را کشیده و چشمها را بسته نگه داشت و سه مرتبه گفت: «سبحان ربی العظیم و بحمده» آنگاه ایستاد و در حالت آرامش گفت: سمع الله لمن حمده، سپس دو دستش را بالا آورد و تکبیر گفت و به سجده رفت به این صورت که دو کف دست را با انگشتان بسته در دو طرف بناگوشش گذاشت و سه دفعه گفت: «سبحان بی الاعلی و بحمده» هنگام سجده هشت جای بدنش را بر زمین گذاشت: پیشانی، دو کف دست، دو زانو، سر دو انگشت بزرگ پا و نُک بینی، سپس سر از سجده بلند کرد و بر ران چپش نشست و پشت پای راست را بر کف پای چپ قرار داد و گفت: استغفر الله ربی واتوب الیه، سپس تکبیر گفت و سجده دوم را به جا آورد، دو رکعت به همین صورت به جا آورد و تشهد خواند و سلام داد و گفت: ای حماد اینگونه نماز بخوان.

الكافي: ج 3 ص 311 ح 8 .

علامه مجلسی(ره) در شرح حدیث می گوید: این حدیث حسن است و شیخ صدوق در کتاب فقیه آن را صحیح دانسته است.

مرآة العقول: ج 15 ص 130.

در این حدیث همانگونه که ملاحظه نمودید کسی که نماز را آموزش داده است شخص امام صادق علیه السلام است و او از نوادگان رسول خدا و اهل بیت علیهم السلام است که در حقیقت نماز رسول خدا صلی الله علیه و آله را به نمایش گذاشته است. ولی در آن از قبض و تکفیف خبری نیست، بنابراین اگر تکتف و قبض سنت بود و شارع آن را تجویز کرده بود امام صادق علیه السلام که ملقب به عالم آل محمد است باید آن را انجام میداد، پس انجام آن در نماز بدعت است که باید با آن مبارزه نمود.

بسم الله در آغاز سوره

یکی از نشانه های بارز و آشکار در تفاوت بین نماز اهل سنت و شیعه شروع و آغاز آن با بسم الله است، زیرا شیعه بسم الله را آیه ای مستقل و آن را اولین آیه از هر سوره قرآن می داند و در نمازهای واجب چه جهریه (نماز صبح و مغرب و عشاء) و چه اخفاتیه (نماز ظهر و عصر) خواندن آن را لازم می داند با این تفاوت که در جهریه بلند گفتن بسم الله واجب و در اخفاتیه مستحب است.

و اما اهل سنت برخی بسم الله را جزء سوره و آیه ای مستقل می دانند و برخی نه، به همین جهت هم در آغاز نماز بعضی سوره حمد را با بسم الله شروع می کنند و بعضی نه، بنا بر این در بین فقیهان اهل سنت در جزء بودن و خواندن در نماز اختلاف است.

جصاص در أحكام القرآن می نویسد:

قال أبو بكر: لا خلاف بين المسلمين في أن بسم الله الرحمن الرحيم من القرآن في قوله تعالى: (إنه من سليمان وإنه بسم الله الرحمن الرحيم)...

ثم اختلف في أنها من فاتحة الكتاب أم لا فعدها قراء الكوفيين آية منها ولم يعدها قراء البصريين وليس عن أصحابنا رواية منصوصة في أنها آية منها... وقال الشافعي هي آية منها وإن تركها أعاد الصلاة... وما سبقه إلي هذا القول أحد لأن الخلاف بين السلف إنما هو في أنها آية من فاتحة الكتاب أو ليست بآية منها ولم يعدها أحد آية من سائر السور...

در اینکه بسم الله در این آیه: (إنه من سليمان وإنه بسم الله الرحمن الرحيم) جزء قرآن است اختلافی نیست... ولی جزء سوره فاتحه باشد اختلاف است، قراء کوفی بر خلاف قراء بصره آن را آیه ای از سوره دانسته اند، با این که روایتی از اصحاب بر جزء بودن آن نرسیده است... شافعی بسم الله را آیه ای مستقل می داند که اگر در نماز ترک شود نماز باطل خواهد بود... او در این عقیده تنها است، زیرا در بین علمای گذشته فقط نسبت به سوره فاتحه این اختلاف وجود داشته است که آیا بسم الله جزء و آیه ای از آیات آن است، یا خیر؟ در حالی که در نفي آن از سوره های دیگر اختلافی نداشته اند.

أحكام القرآن للجصاص ج 1 ص 8، أحمد بن علي الرازي الجصاص أبو بكر الوفاة: 370، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - 1405، تحقيق: محمد الصادق قمحاوي.

ابن حبان در کتابش به نام صحیح داستان نماز خواندن فردی را پشت سر ابو هریره نقل کرده است که می گوید: من پشت سر ابوهریره نماز خواندم که پس از تکبیر بسم الله گفت و سپس سوره فاتحه را شروع کرد...

- أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ قُتَيْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا حَرْمَلَةُ بْنُ يَحْيَى قَالَ حَدَّثَنَا ابْنُ وَهْبٍ قَالَ أَخْبَرَنِي حَيْوَةُ قَالَ أَخْبَرَنِي خَالِدُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي هِلَالٍ عَنْ نُعَيْمِ الْمُجَمَّرِ قَالَ صَلَّى وَرَاءَ أَبِي هُرَيْرَةَ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ثُمَّ قرأ بِأَمِّ الْكِتَابِ...

صحیح ابن حبان: ج 5 ص 100، رقم 1797، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1414 - 1993، الطبعة: الثانية، تحقيق: شعيب الأرنؤوط.

علاوه بر موارد فوق روایات متعددی در کتب اهل سنت آمده است که نشان می دهد رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز اصحاب نماز را با بسم الله شروع می کرده اند، اکنون چه شده است که فقط باید شافعی بسم الله را لازم و واجب بدانند و ترک آن را موجب بطلان.

برای اطلاع بیشتر به کتابهایی مانند: معجم الكبير طبراني ج 11 ص 185،

و سنن بیهقی ج 2 ص 185، و...مراجعه فرمائید.

نتیجه این قسمت

نماز شروع آن با تکبیر و خواندن سوره حمد است که البته تنها شافعی بسم الله را واجب دانسته و دیگر فقیهان اهل سنت لازم میدانند. در صورتیکه روایات فراوانی نقل کرده اند که رسول خدا نماز را با بسم الله شروع میکرد و اصحاب نیز چنین میکردند

محل سجده در نماز

رکوع کردن پس از قرائت و سپس سجده بعد از رکوع از ارکان نماز است که بدون آن نماز تحقق پیدا نمی کند و لذا از نگاه فقیهان سنت و تشیع در آن اختلافی نیست، فقط در مکان و جایی که پیشانی هنگام سجده باید قرار گیرد اختلاف وجود دارد که به برخی از این اختلافها اشاره می کنیم.

مکان سجده از نگاه فقیهان شیعه

فقهای شیعه با استناد به مدارک نقل شده از رسول خدا صلی الله علیه و آله و آئمه اطهار سلام الله علیهم می گویند: پیشانی و

محل سجده علاوه بر پاك بودن آن بايد از جنس زمين يا چيزي كه از آن مي رويد باشد و مأكول و ملبوس نباشد، و سجده بر چيزي كه از اسم زمين بيرون باشد مثل معادن طلا و نقره و عقيق و فيروزه و قير و زفت و امثال آنها وهم چنين جايز نيست سجده كردن بر چيزي كه از اسم روئيده شده از زمين خارج شده باشد مانند: خاكستر و ذوغال و امثال آنها، و جايز نيست سجده بر خوراكي و لباس مثل نان و پنبه و كتان و امثال آنها و جايز است سجده بر هر سنگي كه معدني نباشد.

مكان سجده از نگاه فقيهان اهل سنت

و اما در بين فقيهان اهل سنت و ديگر بزرگان آنان در محل سجده اختلافات فراواني ديده مي شود كه متن ذيل گوشه اي از اين اختلافات را نشان مي دهد.

شارح صحيح بخاري مي نويسد:

قال مجاهد : لا بأس بالصلاة علي الأرض وما أنبتت .

سجده بر زمين و آنچه از آن مي رويد اشكالي ندارد.

ومذهب مالك : لا بأس أن يسجد علي الخمرة والحصير وما تنبت الأرض ، ويضع كفيه عليها . والسجود علي الأرض أفضل عنده ، وعند كثير من العلماء .

مالك از پيشوايان چهارگانه اهل سنت گفته است: سجده بر خمره و حصير و آنچه از زمين مي رويد صحيح است و لي بر زمين افضل است، كه در اين افضليت بسياري از دانشمندان با او هم راه هستند.

وكان ابن مسعود لا يصلي علي شيء إلا علي الأرض .

ابن مسعود جز بر زمين بر چيز ديگري سجده نمي كرد.

وروي عن أبي بكر الصديق ، أنه رأى قوما يصلون علي بسط ، فقال لهم : أفضوا إلي الأرض . وفي إسناده نظر .

ابوبكر عده اي را ديد كه بر فرش سجده مي كردند به آنان گفت: فرش را كنار بزنيد و بر زمين سجده كنيد. اگر چه در سند اين نقل بايد تامل نمود.

وروي عن ابن عمر ، أنه كان يصلي علي الخمرة ويسجد علي الأرض . ونحوه عن علي بن الحسين .

در باره فرزند عمر نقل شده است كه او نيز بر خمره و زمين سجده مي كرد و همچنين علي بن الحسين چنين مي كرد.

وقال النخعي في السجود علي الحصير : الأرض أحب إلي . وعنه ، أنه قال : لا بأس أن يصلي الحصير ، لكن لا يسجد عليه .

نخعي سجده بر زمين را بيشتر دوست مي داشت و مي گفت: هنگام نماز روي حصير ايستادن اشكالي ندارد ولي سجده بر آن روا نيست.

ونقل حرب ، عن إسحاق ، قال : مضت السنة من النبي (أنه صلي علي الخمرة والبساط ، وعلي الثوب الحائل بينه وبين الأرض . قال : وأن سجد الرجل علي الأرض فهو أحب إلي ، وأن أفضي بجبهته ويديه إلي الأرض فهو أحب إلينا . وأكثر صلاة النبي كانت

علي الأرض...

از اسحاق نقل است كه گفت: سنت پيامبر سجده بر خمره و فرش و پارچه اي است كه بين نماز گذار و زمين حائل شده باشد.

وقال ابن المنذر : كرهت طائفة السجود إلا علي الأرض ، كان جابر بن زيد يكره الصلاة علي كل شيء من الحيوان ويستحب الصلاة علي كل شيء من نبات الأرض.

گروهي از سجده بر غير زمين اگراه داشتند، جابر بن يزيد از سجده بر چيزي كه از حيوانات باشد اگراه داشت، و بر هر چيزي كه از روئيديها باشد سجده مستحب است.

فتح الباري في شرح صحيح البخاري: ج 2 ص 254 ، دار النشر: دار ابن الجوزي - السعودية / الدمام - 1422هـ ، الطبعة: الثانية ، تحقيق: أبو معاذ طارق بن عوض الله بن محمد

سجده گاه رسول خدا صلي الله عليه و آله

به اعتقاد شیعه و سنی، سیره و روش رسول خدا صلي الله عليه و آله در همه اعمال ملاک و معیار پیروی و اقتدا به او در انجام اعمال دینی است و در این سخن هیچ اختلافی وجود ندارد و نکته مهم که سر آغاز بحث و گفتگو بین این دو گروه از مسلمانان است روش اثبات سنت و سیره آن حضرت است. به دیگر سخن، ناقلان و راویان سنت نقش اصلی را در انتقال دارند پس باید این افراد نیز شرائطی را داشته باشند که در جای خود مباحث آن با دقت پی گیری شده است. نماز در اسلام ستون دین و نمایشگر بندگی در برابر معبود است که شیوه اجرای آن را باید از مربی و مبلغ آن آموخت، همانگونه که خودش فرمود: «صلوا كما رأيتموني أصلي» آنگونه که من نماز می خوانم شما به خوانید. روایات و نقلهای فراوانی در آثار حدیثی و فقهی اهل سنت وجود دارد که رسول خدا یا بر زمین سجده می کرد و یا بر حصیری که زیر پایش قرار داشت.

رسول خدا صلي الله عليه و آله بر زمین سجده می کرد

بخاری می نویسد:

حدثنا أبو الوليد قال حدثنا شعبة قال حدثنا سليمان الشيباني عن عبد الله بن شداد عن ميمونة قالت كان النبي صلي الله عليه وسلم يصلي علي الخمره.

میمونه یکی از همسران پیامبر گفته است: رسول خدا صلي الله عليه و آله بر خمره نماز می خواند.

محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: 256 ، صحيح البخاري ج 1 ص 149 و ص 150، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987 ، الطبعة: الثالثة ، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا.

ترمذی در کتاب سننش با نقل بخشهایی از احادیث و با ذکر نام تعدادی از همسران و اصحاب رسول خدا از قول آنان مینویسد: وفي الباب عن أم حبيبة وبن عمر وأم سليم وعائشة وميمونة وأم كلثوم بنت أبي سلمة بن عبد الأسد ولم تسمع من النبي صلي الله عليه وسلم وأم سلمة قال أبو عيسى حديث بن عباس حديث حسن صحيح وبه يقول بعض أهل العلم وقال أحمد وإسحاق قد ثبت عن النبي صلي الله عليه وسلم الصلاة علي الخمره قال أبو عيسى والخمره هو حصير قصير.

از ام حبیبه و عبد الله بن عمر و ام سلیم و عائشه و میمونه و ام کلثوم و ام السلمه و ابن عباس (که حدیث او حسن و صحیح است) و همچنين احمد و اسحاق نقل شده است که شهادت داده اند که رسول خدا صلي الله عليه و آله بر خمره نماز می خواند. ابو عیسی گفته است: خمره حصیر کوچک است.

محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمی الوفاة: 279 ، سنن الترمذي: ج 2 ص 151 و 152، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - ، تحقيق: أحمد محمد شاکر وآخرون.

احمد حنبل پیشوای حنبلها می نویسد:

18884 حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا عبد الصمد قال ثنا عبد العزيز بن مسلم ثنا الأعمش عن عبد الجبار بن وائل عن أبيه

قال رأيت رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَسْجُدُ عَلَى الْأَرْضِ وَاضِعًا جَبْهَتَهُ وَانْفَهُ فِي سُجُودِهِ.

عبدالجبار بن وائل از پدرش نقل میکند که گفت: رسول خدا را دیدم که هنگام سجده پیشانی و بینی اش را بر زمین میگذاشت. مسند الإمام أحمد بن حنبل: ج 4 ص 317، دار النشر: مؤسسة قرطبة - مصر، و المعجم الكبير للطبراني: ج 22 ص 29 رقم 62، دار النشر: مكتبة الزهراء - الموصل - 1404 - 1983، الطبعة: الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ابن تيميه نیز می نویسد:

عن أبي حميد الساعدي أن النبي صلى الله عليه وسلم كان إذا سجد مكن جبهته بالأرض...

رسول خدا هنگام سجده پیشانی را بر زمین می گذاشت...

رواه أبو داود والترمذي وقال حديث حسن صحيح.

این روایت را ابو داود و ترمذی نقل کرده اند و حسن و صحیح است.

کتب و رسائل و فتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة: ج 22 ص 171 دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي.

خُمره چیست؟

ابن تيميه مي نويسد:

قالوا (الخُمرة) كالحصير الصغير تعمل من سعف النخل وتنسج بالسيور والخيوط وهي قدر ما يوضع عليه الوجه والأنف فإذا كبرت عن ذلك فهي حصير.

خُمره مانند حصیر کوچکی است که از برگ درخت خرما بافته می شود و به اندازه ای است که صورت و بینی بر آن قرار گیرد و اگر از این بزرگتر باشد حصیر است.

کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیة: ج 22 ص 176، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، الطبعة: الثانية، تحقيق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي.

عمر بن عبد العزيز بر خاک سجده می کرد

بییقین سجده بر خاک و آنچه زمین بر آن صدق می کند نزدیکتر به دستور شارع مقدس است که اتفاقاً هر دو گروه از فقیهان تشیع و تسنن آن را قبول دارند، می ماند موارد اختلافی مانند فرش و یا هر چیزی دیگر که در این صورت با شك در مصداق زمین بودن از محور بحث خارج می شوند زیرا با سجده بر زمین و آنچه مصداق زمین است یقین به اطاعت امر مولی حاصل می شود و در موارد مشکوک چنین نیست از این روی می بینیم عمر بن عبد العزيز دستور می دهد تا بر محل سجده اش خاک قرار دهند تا نمازش بدون اشکال باشد.

ابن حجر عسقلاني شارح صحيح بخاري مي نويسد:

قال بن بطلال لا خلاف بين فقهاء الأمصار في جواز الصلاة عليها الا ما روي عن عمر بن عبد العزيز أنه كان يؤتي بتراب فيوضع علي الخمرة فيسجد عليه ولعله كان يفعله علي جهة المبالغة في التواضع والخشوع فلا يكون فيه مخالفة للجماعة.

ابن بطلال گفته است بین فقهای شهرها در سجده بر حصیر اختلافی نیست مگر آنچه که از عمر بن عبد العزيز نقل شده است که وی مقداری خاک بر سجده اش می گذاشت تا هنگام سجده پیشانی را بر آن بگذارد و شاید این عمل او بجهت تواضع و خشوع بیشتر در نماز بوده است نه مخالفت با روش اهل سنت.

فتح الباري شرح صحيح البخاري : ج 1 ص 488، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: 852 ، دار النشر :
دار المعرفة - بيروت ، تحقيق : محب الدين الخطيب.

خلاصه سخن

از مباحث پیشین و در موضوع محل سجده که اختلاف در فقه شیعه و سنی در آن بسیار مشهور و آشکار است این نتیجه حاصل می شود که بر اساس اعتراف همسران و برخی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله آن حضرت بر خاک و بر حصیر بافته شده از برگ خرما سجده می کرده است و اگر در مواقع استثنائی و ضرورت بر گل و یا فرش و لباس سجده می کرده است نمی تواند محملی برای همه جا و همه شرائط باشد.

و از طرفی نتیجه و عصاره مباحث گذشته ما را به این نکته می رساند که آنچه امروز به نام سنت در باب نماز جریان دارد هیچ شباهتی به روش عبادی رسول خدا ندارد بلکه افزوده هائی است که در طول زمان بر آن افزوده شده است، و تنها ملاک برای رسیدن به واقعیت همان مراجعه به فقیهان خاندان عصمت و فرزندان رسول خدا است .

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقات حضرت ولی عصر